

## عدالت در آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام با تأکید بر خصوصی سازی مدارس

دکتر خسرو باقری

استاد دانشگاه تهران

نفیسه نجفی

دانشجوی ارشد دانشگاه تهران

### چکیده

تاریخ دریافت ۱۳۸۴/۲/۱۲ - تاریخ تأیید ۱۳۸۵/۷/۹

تبیین معیارهای عدالت در تعلیم و تربیت و توزیع امکانات آموزشی، نیازمند تبیین ملاک های بهره مندی و عدالت توزیعی است. طبق آثار صدر و مطهری، تلاش، نیاز و استحقاق های ذاتی می توانند به منزله معیارهای بهره مندی افراد و توزیع منابع و امکانات تلقی شوند. دلالت های هریک از این معیارها در توزیع امکانات آموزشی از این قرار است: تلاش به عنوان معیار توزیع امکانات آموزشی بادرنظر گرفتن امکانات آموزشی به منزله بستر تلاش، مقتضی فراهم نمودن امکانات آموزشی مناسب با تلاش افراد است و با درنظر گرفتن امکانات آموزشی به عنوان فرصت های شغلی و اجتماعی آینده، عامل استحقاق برای برخورداری فرد تلاشگر از آن است. البته تلاش بنا بر این فراهم کننده استحقاق در امکانات آموزشی بصورت اجحاف آمیز باشد. معیار نیاز در حوزه تعلیم و تربیت ایجاد می کند که زمینه لازم جهت ایجاد توانایی برای رفع نیازها، برای همه دانش آموزان فراهم و تدبیر و امکانات ویژه ای برای جبران محرومیت دانش آموزان محروم اتخاذ شود. رعایت معیار سوم یعنی استحقاق های ذاتی در بعد انسانی - معنوی آموزش و پرورش نیز لازمه عدالت است و همه دانش آموزان دارای استحقاق های ذاتی مساوی دراین بعد می باشند. درحال حاضر عملکرد مدارس خصوصی ناقص اصل تلاش، نیاز و تاحدی استحقاق های ذاتی است و بنابراین عادلانه نمی باشد. بنظر می رسد ارتقاء کیفیت آموزش در مدارس دولتی و کاستن نقش تعیین کننده معلم و امکانات آموزشی در موفقیت تحصیلی، می تواند روش مناسبی جهت رفع تبعیض ناشی از اختصاص نابرابر امکانات در نظر گرفته شود.

کلید واژه ها: عدالت، عدالت آموزشی، برآبری فرصت های آموزشی، اسلام

## مقدمه

در حالیکه در زمینه وجود تفاوت‌ها و نابرابری‌ها در توزیع امکانات آموزشی و تبعات آن آثاری نگاشته شده است، در زمینه معیارهای عدالت در تعلیم و تربیت و توزیع امکانات آموزشی از دیدگاه اسلام آثار بسیار کمی به نگارش درآمده است. در حقیقت به دست آوردن ملاک‌هایی برای چگونگی بهره مندی از امکانات آموزشی و فرصت‌های حاصل از آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ویژگی این ملاک‌ها این است که با تکیه بر مبانی و معیارهایی برگرفته از منابع اسلامی در خصوص منشاء استحقاق‌ها و تفاوت‌های پذیرفتنی در برخورداری‌ها، اقتضانات و دلالت‌های آن را در امر تعلیم و تربیت بیان می‌کنند.

در این تحقیق ابتدا مفهوم عدالت و معیارهای عدالت توزیعی در اسلام بررسی شده و سپس دلالت‌های آن در توزیع امکانات آموزشی تبیین می‌گردد. پس از آن جایگاه مدارس خصوصی از منظر این معیارها بررسی می‌شود.

در پیشینه تحقیق به دو نوع آثار توجه شده است. آثاری که تنها به معیارهای توزیع عادلانه ثروت پرداخته‌اند و اقتضانات آنرا در امر تعلیم و تربیت بررسی نکرده‌اند. دوم آثاری که موضوع مورد بحث آنها، عدالت در توزیع امکانات آموزشی بوده است. در بیان پیشینه عام، نظر دیوید میلر (۱۹۹۹) که سه معیار نیاز، شایستگی و تلاش را معیارهای توزیع می‌داند قابل توجه است. همچنین سیدقطب، عدالت اسلامی را یک مساوات بزرگ انسانی که تعادل همه ارزش‌ها را با توجه به شرایط و مقتضیات در بردارد، تعریف می‌کند. لازمه این عدالت برابری مطلق در مال نیست، بلکه مهیا نمودن شرایط و امکانات مساوی برای همه و رفع موانع محیطی پیشرفت و کوشش فردی است. بیانیه حقوق بشر از دیدگاه اسلام پنج حق اصلی برای انسان‌ها قائل شده است (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰، ص ۱۷۷). حق حیات، کرامت، آزادی مسئولانه، مساوات و حق توجیه فکر و ذهن بشری. حق توجیه فکر و ذهن بشری که ناظر به تعلیم و تربیت است، جامعه و دولت را موظف می‌کند که وسائل تعلیم و تربیت را بطور مساوی برای همگان مهیا کند. خسرو باقری (۱۳۸۰) در پژوهشی برای دستیابی به فلسفه آموزش و پرورش ایران، عدالت در حوزه توزیع را مستلزم برابری فرصت‌ها و امکانات تعلیم و تربیت برای افرادی می‌داند تا تنها تلاش معیار تعیین کننده

باشد و در صورت تلاش بیشتر هر دانشآموز، امکانات بهتری متناسب با تلاش وی می‌تواند فراهم گردد.

### عدالت در تعلیم و تربیت و رابطه آن با عدالت توزیعی

توزیع امکانات آموزشی میتواند از جهاتی زیر مجموعه توزیع امکانات اجتماعی، درآمد و ثروت باشد. در توزیع ثروت و درآمد این مسئله مطرح است که طبق چه ملاک‌هایی میزان استحقاق افراد در بهره مندی و درآمد و مالکیت مشخص میشود. از آنجا که امروزه تحصیل و برخورداری از تعلیم و تربیت مناسب، یکی از علل دستیابی به بهره مندی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است، مثلاً توزیع امکانات آموزشی، نیازمند ضابطه‌مند شدن و عادلانه بودن است. از این رو با تشخیص ملاک‌های توزیع ثروت و مالکیت و نیز توجه به کارکرد اقتصادی و اجتماعی تعلیم و تربیت میتوان ملاک‌های توزیع امکانات آموزشی را مشخص نمود.

در میان اندیشمندان اسلامی، محمد باقر صدر بیش از دیگران به تبیین معیارهای عدالت توزیعی، البته ذیل عنوان عدالت اجتماعی پرداخته است. گرچه هنوز خلاء بزرگی در حیطه نظر در این موضوع وجود دارد و اندیشمندان مسلمان باید به تحقیق و استنباط ملاک‌های عدالت اجتماعی در اسلام بپردازنند، در این تحقیق نظرات صدر و مطهری، مبنای تعیین معیارهای عدالت توزیعی قرار گرفتند. در دیدگاه صدر (۱۳۶۰) دو عامل کار و نیاز معیار توزیع ثروت در جامعه است. برای گروهی از جامعه که با تکیه بر تلاش و توانایی‌های خود قادر به ادامه زندگی در حد مطلوب هستند، کار معیار توزیع می‌باشد. نیاز معیار توزیع برای کسانی است که به دلیل ضعف بدنش یا روانی یا عوامل دیگری که انسان را از فعالیت باز می‌دارد، نمی‌تواند کار کنند. گروه سوم بر پایه دو معیار کار و نیاز بهره مند می‌شوند. کار، زندگی ضروری و نیاز، رفاه نسبی آنها را تأمین می‌کند.<sup>۱</sup>

مطهری (۱۳۶۸) عدالت را برمبنای حقوق واقعی و فطری میداند. عدالت رعایت استحقاق هاست و حق را ناشی از آنچه که بشر به موجب خلقش مستحق آن است (استحقاق‌های ذاتی) و تلاش فردی میداند.

بدین ترتیب در حوزه عدالت اجتماعی و توزیع منابع، نظر صدر می‌تواند بیان خاص‌تری از نظر کلی مطهری باشد. به این صورت که صدر کار را اصل اول مالکیت و استحقاق دانسته است که ناظر به ملاک تلاش در دیدگاه مطهری است. دومین ملاک در نظر صدر، نیاز است که ناظر به بخشی از استحقاق‌های ذاتی و غالباً بعد مادی و معیشتی آن است که مورد نظر مطهری بوده است. بنابراین تلاش و نیاز ملاک‌های مورد قبول صدر و مطهری در امر توزیع و اختصاص بهره‌مندی‌ها هستند. چنانکه در ادامه خواهد آمد، هر دوی این ملاک‌ها در قرآن و روایات نیز به عنوان ملاک توزیع مورد تأیید قرار گرفته‌اند. بنابراین می‌توان گفت که این دو ملاک مورد تأیید قطعی قرآن و روایات هستند، گرچه نمی‌توان ادعا کرد که قطعاً فقط این دو ملاک، مورد نظر اسلام است و یا اینکه بطور کامل به چگونگی و شرایط معیار بودن تلاش و نیاز از نظر اسلام بی برد شده است. در ادامه برای تبیین کارکرد این دو ملاک توضیحاتی ارائه خواهد شد.

### تلاش، اولین ملاک توزیع ثروت

تلاش مهم‌ترین ملاک توزیع ثروت و مالکیت در اسلام است. اسلام بر تأمین معاش به وسیله سعی و زحمت تأکید کرده است و آن را امری لازم و پسندیده دانسته و مالکیت حاصل از آن را پاکترین مالکیت‌ها دانسته است. انتخاب تلاش و کار به عنوان معیار استحقاق انسان برچه مبنایی استوار است؟ تلاش و سعی انسان مظہر و تجلی خواست و اراده اوست و انتخاب تلاش به عنوان معیار استحقاق در حقیقت استحقاق انسان را به واسطه خواست، اراده و همتش تأیید می‌کند. آیاتی از قران مانند "لیس للانسان الا ماسعی" (نجم : ۳۹۰) "انسان جز تلاش خود چیزی بدست نخواهد آورد." و "کل نفس بما کسب رهینه" (مدثر : ۳۹) هر نفسی در گرو آنچه کسب کرده است می‌باشد، گرچه در مقام تبیین معیار مالکیت نیستند و بیشتر ناظر به برخورداری‌های اخروی انسان هستند، اما بیان‌گر

اصلی ترین و محوریت‌ترین عنصر انسانیت و تعیین کننده سرنوشت او یعنی اراده، انتخاب و تلاش است. خداوند معیار و میزان برخورداری ها را در عالم آخرت که به دور از محدودیت‌ها و تزاحمات دنیاست، تلاش و سعی انسان میداند و لذا از آنها به عنوان تنها ملک عادلانه بهره مندی یاد میکند. از این‌رو اصلی ترین ملاک توزیع ثروت که بر مبنای ارزشمندی سعی و اراده انسان استوار است، تلاش و کار است. چگونگی شکل گیری خواست و اراده انسان و در نتیجه تلاش انسان موضوع مهمی است که برای تبیین نحوه بکارگیری تلاش به عنوان معیار توزیع، لازم به بررسی است. به طور کلی عمل انسان از سه مبداء نشات یافته است. (باقری و دیگران، ۱۳۷۵) اولین مبداء، معرفت انسان است. انسان طبق شناخت و معرفت خود، دست به عمل میزند. به عنوان مثال خداوند در قران عمل شخص مال اندوز را بربایه این باور او میداند که مال باعث زندگی اوست. "یحسب ان ماله اخلده" (همزه : ۳)

دومین مبداء، میل است. علاقه و کراحت انسان، حب و بغض ها، دلبستگی و کینه، می‌تواند از زیرسازهای عمل انسان باشد. مبداء سوم، اراده است. اراده عنصر پذیرش و طرد انسان است که می‌تواند بر حب و بغض ها و امیال انسان غلبه کند. نحوه ترتیب و ترتیب این سه مبداء به این صورت است که ابتدا معرفت فرد نسبت به عمل، میل هایی را در روی برمی‌انگیرد. هنگامی که در فرد میل های متعدد سر برآورند، نوبت به اراده می‌رسد که فرد باید به طرد یا پذیرش میل ها بپردازد.

معرفت انسان تا حدی تحت تأثیر محیط اطراف قرار دارد. رشد شناختی فرد و امکان کسب معارف صحیح تاحد قابل توجهی به محیط تربیتی وی وابسته است. بنابراین امیال نیز به تبع معرفت، متأثر از محیط است. به این ترتیب تلاش به طریق مذکور می‌تواند تا حدی از حوزه اراده فرد خارج شود. بنابراین آنچه که اقتضای ملاک تلاش است تساوی عناصر دخیل در معرفت و میل افراد است تا اراده آنان عامل تعیین کننده در سرنوشت، پیروزی ها و شکست هایشان باشد.

اما تفاوت در تلاش ها چه در نوع آن و چه در میزان تلاش که ناشی از تفاوت در استعدادهای ذاتی است، امری اجتناب ناپذیر و مقتضای خلقت حکیمانه است. خداوند

تفاوت های موجود در خلقت را از نشانه های خود شمرده و آن را مبنی بر علم و حکمت میداند.<sup>۱</sup>

### نیاز ، دومین ملاک توزیع ثروت

صدر(۱۳۶۰) نیاز را به عنوان دومین معیار توزیع شمرده است. مطهری (۱۳۶۸) نیز استحقاق های ذاتی را یکی از دو منشاء استحقاق او دانسته است. در ربط این دو معیار چنین توضیح داده شد که نیاز می تواند به عنوان اقتضای ملاک کلی استحقاق های ذاتی در حوزه جزیی تر توزیع ثروت و منابع قرار گیرد. معیار نیاز در توزیع ناظر به جنبه های از استحقاق های ذاتی است که مربوط به معیشت و داشتن زندگی سالم و آرام به عنوان بستر لازم برای یک حیات انسانی و یا برتر از آن رشد و حیات طیبه است. در واقع معیار نیاز جزیی از معیار استحقاق های ذاتی است.

نیاز در انسان به معنای خواست و میل فرد است. تأمین خواست ها و گرایش های فرد، مورد نیاز است. چون خصوصیات و اهداف افراد متفاوت است، خواست ها و نیازهای آنان نیز متفاوتند. جسم و روح انسان دارای سلامت و بیماری، رشد و انحطاط است . آفرینش انسان به گونه ای است که تامین سلامت و رشد جسم و روح او، کnar ماندن از بیماری و انحطاط آنها، احساس نیاز را در او بر می نگیرد. این احساس نیاز، میل و گرایش اولیه ای جهت ارضای آنها در انسان ایجاد میکند. اما چگونگی و نحوه ارضای نیازها در اختیار انسان است و بسته به آگاهی ها و امیال او تغییر می کند. حتی این میل و نیاز اولیه، تحت تأثیر چنین عواملی ممکن است کمرنگ و یا محو می شود یا نیازهای دیگری به وجود آید. صحّت و سقم آگاهی و شناخت انسان از خود (جسم، روح و روان)، جامعه، اهداف و ارزش های فردی و نیز تبلیغات اجتماعی موثر بر فرد و ارزش های حاکم بر

۱. آیاتی از قرآن این مطلب را بیان کرده اند: " و من ایا نه خلق السموات و الأرض و اختلاف النعم و الوانکم انَّ فِي ذلِكَ لِيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ " (روم : ۲۲) و من الناس و النسوان و الانعام مختلف الوانه كذلك انما يخشى الله من عباده العلما ان الله عزيز غفور " (فاطر : ۲۸)

جامعه از جمله این عوامل اند. بنابراین هم موجه بودن و هم ضروری بودن پاسخگویی به نیازها، به ملاک دیگری در کنار احساس نیاز و برانگیختگی فردی نیازمند است.

در اسلام این ملاک، اهدافی است که انسان در مسیر زندگی خود باید به آنها دست یابد. امام باقر (ع) در دعای جامع این مطلب را این گونه ذکر میکنند: "خداؤندا، از تورفاه در زندگی را تا زمانی که زنده ام طلب می کنم و از تو چنان زندگی میخواهم که به سبب آن بر طاعت قدرت یابم و به بهشت و رضوان تو نائل شوم."<sup>۱</sup>

ارضای بعضی نیازها که برای رسیدن به اهداف موردنظر لازمند ضروری است برخی دیگر که تضادی با این اهداف ندارند مباحثند و فرد می تواند برای وصول به آنها تلاش کند، و بقیه نامشروع اند. تعیین چیستی و حدود و جزئیات آنچه که برای رسیدن به اهداف لازم است برپایه شناخت انسان است که شرع، عقل و عرف هر کدام بر حسب جایگاهشان آنرا مشخص میکنند.

انگیزه مصرف از دیدگاه اسلام، رفع نیازهای واقعی انسان با رعایت میانه روی است. در روایات با توجه به اهداف موردنظر اسلام، مصادیق کلی نیاز انسان و ویژگی های یک زندگی مطلوب ذکر شده که برخی حدود و جزئیات آن با توجه به عرف جامعه می تواند متغیر باشد. ویژگی های یک زندگی مطلوب به طور پراکنده در احادیث ذکر شده است. به طور مثال تندرستی، امنیت، وسعت رزق و همسر مناسب از لوازم یک زندگی مطلوب برای رسیدن به اهداف غایی شمرده شده اند، به طوریکه عدم تأمین آنها قلب و فکر انسان را مشغول و از توجه به امور متعالی باز می دارد.

### لزوم تأمین رفاه نسبی افراد توسط دولت

صدر تأمین رفاه نسبی فقرا را علاوه بر ضروریات زندگی ایشان از وظایف دولت میداند. همچنین از روایات باب خمس و زکات و صدقات و نیز فتاوی فقیهان استفاده

۱. الامام باقر (ع): "من ادعیته و کان یسمیه الدعاء الجامع؛ ... اسالک اللهم الرفاهیه فی معيشتی ما ابیتني معيشه اقوی بها علی طاعتك و ابلغ بها رضوانک ... و لاترزقنى رزقاً يطفئني، ولا تبتلينى بفقرنا اشقى به" (الحياة، ج ٤، ص ٣٨٢)

میشود کسی که نمیتواند نیاز معقول زندگیش را تأمین کند میتواند از وجوهات فوق بهره بگیرد و دولت نیز موظف است آن را تأمین کند. امام صادق (ع) درباره تأمین رفاه نسبی نیازمندان می‌فرماید: "ان... عزوجل جعل للفقراء فی اموال الاغنياء ما يكفيهم ولو لا ذلك لزادهم، و إنما يؤتون من منع من معهم"<sup>۱</sup> خدای بزرگ آن مقدار از اموال ثروتمندان را که برای رفع نیاز فقیران بس میباشد، از آن فقیران قرار داده است و اگر چنین نبود بیشتر مقرر می‌داشت و هر مصیبتي بر سرعت محتاجان آید از آنجا آید که توانگری حق آنان را ندهد" پرداخت دیون تنگستان<sup>۲</sup> و تأمین مخارج ازدواج آنها<sup>۳</sup> توسط دولت از مصاديقی است که صریحاً در روایات به آنها اشاره شده است. پیامبر والی مسلمین را موظف می‌داند که پس از اطمینان از تنگستی فرد بدھکار، دیون او را پرداخت کند. همچنین علی(ع) هزی نه ازدواج فردی که به علت تنگستی قادر به ازدواج نبود، از بیت المال پرداخت نمود. بنابراین دولت موظف است مخارج ضروری نیازمندان را تأمین کند.

### دلالت های تلاش به عنوان معیار توزیع امکانات در امر تعلیم و تربیت

در قسمت مبانی نظری تلاش به عنوان یکی از معیارهای عادلانه توزیع ثروت و امکانات شناخته شد. یعنی افراد به واسطه تلاش خود، مستحق برخورداری از موهاب و امکانات می‌شوند.

۱. همان، ج، ۴، ص ۵۵۱

۱. النبی (ص): "ما من غريم ذهب بغريمه الى وال من ولاء المسلمين و واستبان للوالی عسرته، الا برئ هذا المعسر من دينه و صار دينه على والی المسلمين فيما [فی] يديه من اموال المسلمين" هیچ بدھکاری نیست که با بستانکار خود نزد والی از والیان مسلمان برود و بر آن والی عسرت و ناتوانی او در پرداخت دیش معلوم شود مگر این که بدھکار از دین خود بری می‌گردد و پرداخت وام بر عهده والی قرار می‌گیرد تا از اموالی که در دست دارد آنرا پردازد (الحیاء، ج ۲، ص ۷۲۲)

۲.. امام صادق (ع): "ان امير المؤمنین أتى برجل عبث بذكرة، فضرب يده حتى احمرت، ثم زوجه من بيت المال" مردی را نزد امیرالمؤمنین آوردند که استمنا کرده بود، امام علی(ع) چند چوب به دست او زد به طوری که سرخ شد، سپس با هزینه بیت المال به او زن داد (الحیاء، ج ۲، ص ۷۵۰)

تلاش فرد نیازمند بستر و زمینه مناسب است و بدون فراهم شدن آن، تلاش افراد بوقوع نمی‌رسد. در جایی که تلاش معیار توزیع امکانات و معیار پیروزی در مسابقه‌ای است که جوابیز آن تنها به عده محدودی تعلق می‌گیرد، فراهم کردن شرایط و بستر مساوی و یکسان برای تلاش برای هریک از افراد شرکت‌کننده در این مسابقه، از لوازم انتخاب برنده‌گان با معیار تلاش است. درغیراين صورت عوامل ديگري چون برخورداري از شرایط مناسبتر، معیار تعیین برنده‌گان خواهد بود. معنای معیار بودن تلاش به صورت ايجابي، چنین است. اما بطور سلبي نيز بدین معناست که محرومیت ها به دلیل تلاش نکردن فرد باشد. تنها عدم تلاش فرد و نه نبود فرصت ها و موقعیت های لازم برای تلاش معیار عادلانه‌ای برای محرومیت اوست.

تلاش در توزیع امکانات تربیتی به دو صورت ايجابي عامل استحقاق است. گونه اول اینکه برخورداری از امکانات آموزشی به عنوان مقدمه، علت دستیابی به نتایج بهتر و موفقیت در تحصیل و به تبع آن برخورداری از فرصت های شغلی، اجتماعی و مالی است. بنابراین می‌توان دستیابی به امکانات آموزشی را تا حدودی دستیابی به فرصت های شغلی و مالی در آینده دانست. با این تلقی از امکانات آموزشی می‌توان تلاش فرد در امر تعلم و تربیت را به عنوان عاملی استحقاق‌آور برای وی، در برخورداری از امکانات آموزشی به مثابه فرصت های شغلی و مالی آینده دانست.

صورت دوم با درنظر گرفتن امکانات آموزشی به عنوان بستر تلاش مشخص می‌شود. به این ترتیب که افراد باید به میزان تلاش خود، بستر و شرایط مناسب با آنرا در اختیار داشته باشند. تلاش بيشتر نیازمند بستره امکانات متفاوتی با تلاش كمتر است. بطور مثال، دانش آموزی که تمامی تکاليف و تمرینات كتاب درسي را با دقت انجام داده و مطالب را بخوبی فراگرفته است، در صورت در اختیار داشتن تمارين متتنوع و پيچيده تر از يادگيری عميق تری برخوردار می‌شود. معلم نيز برای دانش آموزانی که خواهان يادگيری موضوعات بيشتری هستند، می‌تواند مطالب تكميلی ارائه دهد. به اين ترتيب افراد تلاشگر مستحق برخورداری از امکانات بيشتری برای تلاش هستند. جا دارد بر اين نكته تاكيد شود که اصل اوليه در توزیع امکانات آموزشی تساوي است. زيرا همه به يك اندازه حق استفاده از شرایط

مساعد برای تلاش دارند. پس از بروز تلاش‌ها و توانایی‌های متفاوت، در شرایط و امکانات یکسان، سخن از اختصاص امکانات مناسب با تلاش‌ها به میان می‌آید.

اما تلاش به عنوان معیار توزیع امکانات آموزشی به صورت سلیمانی نیز اقتضائی دارد. محرومیت فرد از امکانات و شرایط بهتر و سطح بالاتر، چه این امکانات به مثابه فرصت‌های شغلی و مالی آینده درنظر گرفته شوند و چه به عنوان آماده‌ساز و تسهیل‌کننده تلاش بیشتر، تنها به دلیل عدم تلاش فرد در هنگام برخورداری از امکانات مناسب، قابل قبول است. نکته مورد تأکید در این بیان، عدم تلاش فرد در هنگام برخورداری از امکانات مناسب است. بدین معنا که اگر عدم تلاش به دلیل عدم وجود شرایط و بستر مناسب باشد، دلیل عادلانه‌ای برای محرومیت فرد نخواهد بود.

قبول تلاش به عنوان ملاک توزیع با پذیرفتن این پیش‌فرض مبنای همراه است که آگاهی، انتخاب و اراده انسان اصلی ترین ملاک استحقاق‌آور برای اوست. به این ترتیب لازمه ملاک بودن تلاش، درنظر گرفتن عناصر تشکیل‌دهنده آن یعنی آگاهی، انتخاب و اراده است. هنگامی که عوامل محیطی، فرد را از تلاش باز می‌دارند، یعنی سه عنصر تشکیل‌دهنده آنرا تحت تأثیر قرار می‌دهند و یا شرایط محیطی نامناسب و عدم وجود امکانات کافی مانع به ثمر رسیدن تلاش می‌شود، باید چاره‌ای اندیشید. کسانی که تلاش نکنند، کم یا بیش از موقعیت‌ها و فرصت‌های ناشی از تحصیل محروم خواهند ماند. همچنین محدودیت‌ها و ساختار نظام آموزش عالی موجود، منابع و فرصت‌ها و موقعیت‌های محدود، باعث ایجاد رقابت شده و میزان تلاش نمی‌تواند در یک فضای باز باعث بهره‌مندی شود. بلکه محدودیت‌ها همچون یک غربال عمل می‌کنند که عده‌ای هر چند تلاش کرده باشند، اما از غربال فرصت‌های محدود عبور نخواهند کرد و محروم خواهند ماند. بنابراین ضرورت اجتماعی ایجاب می‌کند که به بررسی شرایط و منابع تلاش و دستیابی به راه حل‌های آن پرداخته شود.

این مسئله ذیل سه سؤال و پاسخ‌های آنها بررسی خواهد شد.

۱. استعدادهای ذاتی افراد باعث ایجاد نتایج مختلف در تلاش‌های مساوی می‌شود. این استعدادها و توانایی‌ها هم تحت تأثیر و راثت هستند و هم محیط در رشد و شکوفایی

آنها مؤثر است. استعدادها که نتایج تلاش ها را متفاوت می کند تا چه حدی می تواند تفاوتی پذیرفتی در بهره مندی ها ایجاد کند؟

۲. در شرایط نامساوی، تلاش مساوی نتیجه یکسان ندارد. در نظام آموزش و پرورش امکانات مناسب مانند معلم خوب، تجهیزات آموزشی و جو محیط آموزشی برسطح عملکرد دانش آموز بسیار مؤثر است. دانش آموزانی که از امکانات بهتری برخوردارند نه فقط به دلیل تلاش بیشتر، بلکه به واسطه برخورداری از کیفیت آموزش مناسبتر موفق ترند. همچنین وجود بعضی موانع مانند ناهنجاری ها و شرایط نامناسب روانی و محیطی خانواده یا تغذیه نامناسب دانش آموز بر بازده تلاش او مؤثرند. بسیاری از این شرایط در اختیار دانش آموز نیست ولی بر نتایج تلاش او مؤثر است. آیا چنین تفاوت هایی پذیرفتی است؟

۳. مسئله سوم به نقش اختیار و اراده انسان در نوع تلاش و میزان آن باز می گردد. همان طور که در مبانی نظری توضیح داده شد، معرفت و میل انسان از عوامل مؤثر در اراده اوست که هردوی آنها می توانند تا حدی تحت تأثیر عوامل بیرونی باشند. در محیط تعلیم و تربیت نیز مواردی چون ارزش ها و هنجارهای محیط خانه و مدرسه، میزان اعتماد به نفس و شناخت مثبتی که فرد از توانایی ها و قابلیت های خود دارد، میل به کمال و رشد، از جمله معرفت ها و امیالی است که تا حدودی تحت تأثیر محیط قرار داشته و در تلاش فرد مؤثرند. همچنین شیوه های آموزشی و رفتارهای معلمان، شرایط اقتصادی و فرهنگی خانواده انگیزه تلاش را در فرد تقویت و یا تضعیف می کنند. اینگونه عوامل غیرارادی که در میزان تلاش افراد مؤثرند چقدر می توانند معیار بهره مندی آنان باشند؟

به نظر می رسد اگر سه مسئله مطرح شده را نادیده بگیریم و از کنار آن بگذریم ملاک شایستگی را جایگزین تلاش کرده ایم. (Miller ۱۹۹۹)<sup>۱</sup> یعنی افراد بر حسب توانایی های بالفعل

میزان لیاقت خود (که البته از صافی سلیقه و نیازهای اجتماعی گذشته است)<sup>۱</sup> به امکانات و موقعیت‌ها دست می‌یابند. در نظامی که شایستگی ملاک استحقاق است اینکه افراد چرا و چگونه به شایستگی‌های مورد نظر اجتماع دست پیدا کرده و یا نکرده اند اهمیتی ندارد و همین امر باعث تمایز آن با جامعه‌ای است که تلاش معیار توزیع امکانات است.

در پاسخ به سؤال اول می‌توان گفت رعایت استحقاق‌های ذاتی و ناشی از خلقت کلی ترین ملاک عدالت در بسیاری از ابعاد است و اقتصادی آن در امر تعلیم و تربیت، رشد استعدادهای مختلف همه افراد در شرایط مناسب محیط تربیتی است تا در آینده به کار آید و باعث بهره مندی فرد و جامعه شود. بدین ترتیب برنامه‌های تربیتی و رشته‌های درسی و آموزشی در مدارس باید جهت شناسائی، رشد و شکوفایی استعدادهای مختلف همه دانش‌آموزان باشد نه تنها برخی ابعاد استعدادها مانند جنبه‌هایی از بعد شناختی.

استعدادهای مختلف دانش آموزان با توجه به نیازها و شرایط محیط زندگی آنها زمین‌های برای بهره مندی های بعدی آنها است. بی توجهی به رشد استعدادها هم جامعه را از منافع آنها محروم می‌کند و هم فرد را.

بنابراین مقتضای عدالت در رابطه با مسئله تفاوت استعدادها، اولاً ایجاد شرایط لازم در آموزش و پرورش جهت رشد انواع استعدادهای است و پس از آن پذیرش بهره مندی های متفاوت ناشی از بکارگیری استعدادهای مختلف می‌باشد.

در پاسخ به سؤال دوم می‌توان گفت که آموزش و پرورش تا حد امکان باید امکانات آموزشی مساوی در اختیار همه دانش آموزان قرار دهد. امکانات بهتر برخی، ذاتاً تضادی با اصل تلاش ندارد بلکه هنگامیکه تلاش معیار توزیع و دستیابی به موقعیت‌های محدود

۱. به نظر می‌لود، توانایی‌ها و استعدادهای فرد بر حسب سلیقه و نیاز اجتماع ارزش گذاری می‌شود. برخی توانایی‌ها به دلیل توجه و نیاز کمتر اجتماع هرچند مستلزم تلاش بیشتری باشند در بعد مادی و معنوی بهای کمتری به آن تعلق می‌گیرد. عکس این مطلب نیز صادق است.

باشد و وجود امکانات برای برخی تلاش بعضی دیگر را به ثمر رسیدن و بهره مند کردن باز دارد، امکانات نابرابر با اصل تلاش تضاد پیدا میکند.

در عرصه تعلیم و تربیت، امکانات و شرایط مناسب محیط تربیتی، باعث رشد و شکوفایی دانش آموزان و تلاش و موفقیت بیشتر آنها میشود. گرچه طبق اصل تلاش، این کوشش و سعی دانش آموزان در بستر امکانات مناسب، استحقاق آنها را برای بهره مندی سبب می شود، اما در شرایط فعلی که ورود به دانشگاه نیازمند پیروزی در یک مسابقه است و پیروزی برخی، شکست برخی دیگر است، اصل تلاش ایجاب می کند که این مسابقه تنها با معیار تلاش و نه تحت تأثیر شرایط و امکانات مناسب برای تلاش داوری شود. بنابراین تساوی امکانات تربیتی، ضرورتی عادلانه است. همچنین برای ازبین رفتن اثرات منفی شرایط نامساعد، باید تدبیری جهت جبران آنها اتخاذ شود و امکانات بیشتری برای حل آنها اختصاص یابد.

سؤال سوم تا حدودی به حیطه های مختلف اقتصادی و فرهنگی جامعه باز می گردد و شاید اصلاحات تربیتی در مدرسه و بهبود کیفیت روش ها و محیط آموزشی نتواند به طور کامل کلید حل این مشکلات باشد. بهبود وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده ها که از عوامل مؤثر بر اراده و تلاش افراد است، تاحد زیادی از حیطه وظایف آموزش و پرورش خارج است. ارزش ها و آرمان های حاکم بر خانواده، بر هدف دانش آموزان از تحصیل، میزان موفقیتی که برای خود لازم میدانند و جایگاه اجتماعی و شغلی که برای آینده خود درنظر گرفته اند مؤثر است. در خانواده های که تحصیلات بالا و موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالا ارزش و هدف است، فرزند خانواده نیز با انگیزه دستیابی به چنین موقعیتی تحصیل و بنابراین تلاش بیشتری می نماید. وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده نیز با تأثیر بر شرایط و امکانات مناسب در خانه، امنیت و آرامش نسبی که لازمه تحصیل است بر میزان تلاش دانش آموز بسیار مؤثر است.

آموزش و پرورش بر محیط و وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانه چندان نمی تواند مؤثر باشد. اما روش ها و کیفیت تدریس ، محتوای آموزش و فضای حاکم بر مدرسه ، بر علاقه،

اهداف و آرمان‌های دانش آموز بسیار مؤثر است. آموزش و پرورش باید با بهبود و ارتقای این عوامل، نقش خود را در حل این مسئله ایفا کند.

نکته مهمی که در ارتباط با این مسئله و همچنین دو سؤال مطرح شده قبلی، باید به آن توجه کرد این است که معیار تلاش نمی‌تواند چنان استحقاقی به دست دهد که فرد بدون توجه به حقوق و نیازهای دیگران مدعی بهره مندی و استفاده باشد. زیرا نقش اراده و اختیار و آگاهی انسان در تلاش به طرق مختلفی که قبلاً بیان شد محدود است و عوامل دیگری چون استعدادهای ذاتی، موقعیت‌ها و فرصت‌ها و محیط تربیتی در آن دخیل است؛ که برخی از آنها ذاتاً اجتناب ناپذیرند (مانند تفاوت در استعدادهای ذاتی) و بقیه نیز پس از برنامه‌ریزی و سعی در جهت رفع آن باز هم تا حدی باقی خواهد ماند و بطور کامل رفع نخواهد شد. بهره مندی‌هایی که به فرد تعلق می‌گیرد تنها در ازای اراده و اختیار و تلاش وی نیست بلکه در ازای توانایی، تخصص و مهارت اوست که حاصل تلاش وی در بستر استعدادهای ذاتی و شرایط مناسب محیطی است. بنابراین اختصاص بهره مندی‌ها نباید باعث محرومیت دیگران و اجحاف در حق آنان شود.

زياد بودن تفاوت در بهره مندی به شرط آنکه حقوق همه افراد رعایت شود، ناعادلانه به نظر نمی‌رسد؛ اما به طور کلی به دلیل محدود بودن امکانات، منابع و ثروت، بهره مندی و ثروت بسیار برخی، راه را برای بهره مندی دیگران محدود می‌کند. حضرت امیر در این مورد می‌فرماید: "خداؤند سیحان روزی فقرا را در اموال توانگران مقرر داشته است. پس هیچ فقیری گرسنه نماند مگر آنکه توانگری حق او را باز داشته است و خدای تعالی توانگران را بدین سبب باز خواست کند." بنابراین چنین به نظر می‌رسد که تفاوت‌های فاحش، به ظلم و اجحاف در حق دیگران منجر می‌شود. در امر تعلیم و تربیت نیز حتی در شرایطی که بستر مناسب تلاش برای همه فراهم است، تفاوت‌های چشمگیر با ایجاد تمرکز امکانات و کادر آموزشی برتر در برخی مدارس، بدلیل محدود بودن امکانات و شرایط مناسب مادی و معنوی مؤثر در موفقیت تحصیلی، باعث ایجاد محدودیت در دسترسی دیگران به این منابع و همچنین ایجاد رقابت نابرابر‌بیش از آنچه که مقتضای ایجاد شرایط مناسب برای تلاش است - برای دستیابی به فرصت‌های تحصیلی و شغلی آینده می‌گردد. بنابراین تفاوت‌های

فاحش در توزیع امکانات تربیتی، ناعادلانه خواهد بود. همچنین فرد در نحوه استفاده از آنچه که بدست آورده باید به سهم جامعه در ثروتش توجه داشته باشد. از دلایل وجود پرداخت وجوهی مانند مالیات و یا خمس و زکات و نیز ارزشمند بودن انفاق مال توجه به همین نکته میباشد.

### دلالت های نیاز به عنوان معیار توزیع امکانات در امر تعلیم و تربیت

در نظریه صدر نیاز در مواردی که تلاش ممکن نبود و یا درآمد حاصل از آن کافی نبود ملاک توزیع قرار میگرفت. مبنای این اصل این است که هرانسانی باید بتواند از زندگی سالم که بعد اقتصادی آن، درآمد کافی برای تأمین رفاه نسبی است برخوردار شود.

نیاز در آموزش و پرورش به دو صورت میتواند معیار قرار گیرد. گونه نخست، اختصاص هزینه و امکانات بیشتر به قشر محروم جهت جبران کمبودهای آنان است. دانش آموzan متعلق به خانواده های محروم معمولاً به دلیل نداشتن شرایط مناسب خانوادگی کمتر میتواند وضعیت تحصیلی مناسب داشته باشد. برای دستیابی آنها به وضعیت تحصیلی مطلوب بودجه و امکانات بیشتری لازم است. همچنین با توجه به شرایط خاص آنها شاید روش ها و برنامه های تربیتی ویژه و آموزش های خاص مورد نیاز باشد. این امر به خوبی در برخی کشورها محقق شده و مورد توجه قرار گرفته است. (بیلر، ترجمه کدیور ۱۹۷۴)

### مدارس خصوصی از منظر معیارهای عدالت

با دردست داشتن معیارهای عدالت در تعلیم تربیت می توان جایگاه مدارس خصوصی را بررسی کرد. با تکیه بر نتایج بحث پیشین، رابطه مدارس خصوصی با معیارهای عدالت مشخص شده و پیشنهادهایی جهت رفع ناهماهنگی و فاصله های موجود در این ارتباط ارائه میشود. در بررسی این ارتباط، شناخت هریک از طرفین رابطه، یعنی معیارهای عدالت (که قبل تبیین شد) و مدارس خصوصی، اولین قدم ضروری است. بنابراین نکات مختصراً از نحوه اداره مدارس خصوصی، که دانستن آنها در تبیین این ارتباط ضروری است، بیان می شود.

مدیریت مدارس خصوصی برخلاف مدارس دولتی دارای حق انتخاب کادر آموزشی و اداری مدرسه می‌باشد.<sup>۱</sup> دانش آموزان نیز برطبق معیارهای موردنظر مدیریت گرینش و انتخاب می‌شوند<sup>۲</sup> لازمه ورود به آنها پرداخت شهریه نسبتاً بالا توسط اولیاء دانش آموزان است که در برخی مدارس به دلیل ارائه امکانات بهتر این هزینه بسیار بالاتر است.<sup>۳</sup>

در ادامه جایگاه مدارس خصوصی به طور جداگانه با توجه به هریک از معیارهای عدالت در تعلیم و تربیت یعنی تلاش، نیاز و استحقاق‌های ذاتی و اقتضانات آنها در تعلم و تربیت بررسی می‌شود

### جایگاه مدارس خصوصی با توجه به معیار تلاش

قبل از اینکه جایگاه مدارس خصوصی مشخص شود، لازم است موضوع وجود مدارسی با امکانات بهتر بدون درنظر گرفتن خصوصی بودن یا نبودن آن بررسی شود. در ابتدا باید جایگاه مدارس برتر مشخص شود تا پس از آن بتوان جایگاه مدارس خصوصی را که کم و بیش مدارسی برترند که هر دو عامل پرداخت شهریه مدرسه و صلاحیت‌های دانش آموزان شرط ورود به آنها هستند، مشخص کرد.

اولین شرط عادلانه بودن مدارس برتر - باهر معیار پذیرش دانش آموز - این است که موفقیت آنها با تضعیف مدارس دیگر همراه نباشد. اگر مدارس برتر با در اختیار گرفتن

۱. کادر اداری و آموزشی مورد نیاز براساس ضوابط علمی و گرینشی که در وزارت آموزش و پرورش مجری است به پیشنهاد مدیر واحد آموزشی و تایید مؤسس یا مؤسسان انتخاب خواهند شد. (قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی، ماده ۱۱)

۲. همه ساله حداقل ۵۰٪ از کل طرفیت پذیرش مدارس غیرانتفاعی به دانش آموزان محل اختصاص می‌باید. (قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی، ماده ۱۳) با توجه به قانون، مدیریت مدرسه می‌تواند برطبق شرایط مورد نظر خود از بین دانش آموزان محل انتخاب نماید. در مورد ۵۰٪ باقیمانده طرفیت، هیچ محدودیتی در حق انتخاب وجود ندارد.  
۳. میزان شهریه قابل دریافت با توجه به سطح آموزشی و هزینه‌های سال، قبل هرساله به پیشنهاد مؤسس و تأیید آموزش و پرورش تعیین خواهد شد (قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی، ماده ۷ تبصره ۲)

علمان و کارکنان نمونه باعث نزول سطح کیفی کادر آموزشی در مدارس دیگر باشند قطعاً ناعادلانه خواهد بود ، چرا که ایجاد این امکانات بهتر برای تلاش باعث سلب امکانات و شرایط تلاش برای دیگران شده است، که ناقص معيار تلاش است . زیرا همه دانشآموزان دارای حق مساوی در برخورداری از شرایط و امکانات لازم برای تلاش هستند. حتی استحقاق امکانات بیشتر برای کسانی که تلاش بیشتری می‌کنند، دلیل موجهی برای سلب امکانات لازم برای دیگران نیست.

اما اگر برتری مدارس، حاصل تدبیر و ابتکار مدیریت و معلمان مدرسه باشد، مساله صورت دیگری پیدا خواهد کرد. در حقیقت برای قبول موفقیت بیشتر کسانی که از این امکانات برخوردار هستند و عدم موفقیت در رقابت برای محروم شدگان از این امکانات باید دلیل قانونکننده ای وجود نداشته باشد. گرچه تلاش اولیای تربیتی قابل تحسین و حمایت است و نباید آنرا محدود کرد ، اما برخورداری دیگران از آن در شرایط رقابت تنها در صورت وجود دلیلی قابل قبول ، عادلانه خواهد بود. حتی اگر شرطی برای استفاده کنندگان وجود نداشته باشد و همه حق مساوی داشته باشند، نمی‌توان استفاده کنندگان از آنرا در آنچه بدان دست پیدا کرده‌اند در مقایسه با دیگران مستحق دانست. شاید تنها معیاری که در این شرایط معيار اختصاص این امکانات است تلاش دانشآموز باشد. چنانکه گفته شد ایجاد شرایط مناسب با تلاش افراد و در نتیجه ایجاد شرایط بهتر برای کسانی که بیشتر تلاش می‌کنند از لوازم معيار تلاش است. در این صورت وجود این امکانات مناسبتر با معيار اختصاص آنها به دانشآموزان تلاشگر، نه تنها ناعادلانه نیست، بلکه از لوازم عدالت است و بنابراین نتایج حاصل از آن نیز پذیرفتنی است. بنابراین وجود مدارس برتر در صورتی عادلانه است که تنها تلاش شرط پذیرش دانشآموزان باشد، به این ترتیب همه دانشآموزان تلاشگر (نه تنها عده ای از آنها) باید بتوانند از این امکانات برخوردار شوند.

اما نکته‌ای که باید بدان توجه کرد این است که تفاوت چشمگیر در امکانات عادلانه نیست. زیرا چنانکه قبل از گفته شد تلاش و اراده افراد به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر عوامل محیطی قرار دارد و شرایط محیط تربیتی در انگیزه و میزان تلاش افراد اثرات مثبت و یا منفی دارد. افراد مستقل از موافقی که جامعه در اختیارشان قرارداده توانانی

کسب نمی‌کنند. بنابراین گرچه تلاش عاملی برای استحقاق است اما نه آنقدر زیاد که عوامل غیرارادی دخیل در تلاش فراموش شوند و فرد مستحق برخورداری از امکانات بسیار متفاوت با دیگران باشد. بنابر این حتی برای دانش آموزان تلاشگر نیز، ایجاد امکانات و مدارس بسیار متفاوت با دیگران، عادلانه نخواهد بود. چرا که باعث محرومیت دیگران از این امکانات و نیز ایجاد رقابت نابرابر بیش از آنچه که مقتضای تلاش است می‌شود.

اما تقاضا های فردی در میان تلاش و توانایی ها، مسئله‌ای است که خصوصاً در امر تعلیم و تربیت باید آنرا در نظر گرفت. به نظر می‌رسد نوع روش های آموزشی و محتوای کتب درسی میتواند به گونه‌ای طرح شود که بستر مناسبی را برای تلاش های متفاوت دانش آموزان در یک مدرسه و محیط آموزشی فراهم کند. به این طریق هم زمینه مناسب برای تلاش فراهم می‌شود و هم عموم دانش آموزان از امکانات و شرایط مناسب برخوردار هستند. بنابراین به نظر میرسد بهبود و اصلاح روش های آموزشی در جهت ذکر شده، مناسبتر از ایجاد مدارس برتر برای فراهم آوردن شرایط مناسب تلاش باشد.

اکنون می‌توان در مورد جایگاه مدارس خصوصی سخن گفت. مدارس خصوصی با وضعیت و عملکرد فعلی ناعادلانه‌اند. انتخاب و اختصاص معلمان بهتر به این گونه مدارس باعث نزول سطح کیفیت آموزشی در مدارس دولتی شده است.<sup>۱</sup>

در برخی موارد نیز بین این مدارس و مدارس دولتی اختلاف چشمگیری به لحاظ امکانات و شرایط محیط آموزشی وجود دارد. با استناد به دلایلی که قبلاً مطرح شد اثر منفی مدارس خصوصی بر سطح کیفی مدارس دولتی، همچنین وجود اختلافات فاحش بین این دو نوع مدارس با معیار عدالت پذیرفته نیست. شرط پرداخت شهریه مدرسه که باعث محرومیت قشر ضعیف جامعه می‌شود نیز معیار عادلانه‌ای برای برخورداری و محرومیت از امکانات آموزشی نیست.

۱. در فرآیند ایجاد و توسعه مدارس غیرانتفاعی بخش مهمی از امکانات کیفی مدارس دولتی، جذب مدارس خصوصی می‌شود. (حاضری، ۱۳۷۷)

بنابراین مدارس خصوصی با نقض معیار تلاش به صورت ایجاد تفاوت ناعادلانه در شرایط و بستر تلاش و جلوگیری از به ثمر رسیدن تلاش های دیگر دانشآموزان و از آن بدتر اختصاص این امکانات به قشر بالای جامعه که طبق معیارهای عدالت پذیرفته نیست و باعث تشدید و ابقاء تفاوت های طبقاتی موجود میشود، ناعادلانه اند. حدیثی زیبا از امام صادق (ع) مؤید این امر است که ثروت نباید در امر آموزش به عنوان عاملی برای کیفیت سطح تعلیم دخیل باشد. حسان معلم میگوید، از ابوعبدالله (امام صادق ع) درباره شغل معلمی پرسش کردم فرمود: برای آموختن مزد مخواه. گفتم شعر و رسائل (ادبیات و نامه نگاری) و مانند آنها را طبق قرارداد (و به مزدی معین) می آموزم. (حکممش چیست؟) فرمود: بله می شود در صورتی که کودکان را یکسان تعلیم دهی و برای هیچیک امتیازی قائل نشوی.<sup>۱</sup>

دراین حدیث تأکید امام بر تساوی تعلیم و امتیاز قائل نشدن بین کودکان حاکی از این است که اخذ پول برای تعلیم را تنها در صورتی جایز می دانند که مقدار و کم و زیاد بودن آن تأثیری در کیفیت تعلیم نداشته باشد.

## متوجه علم در سلسله

### جایگاه مدارس خصوصی با توجه به معیار نیاز

طبق معیار نیاز آموزش و پرورش موظف است که زمینه ها و شرایط لازم برای توانائی افراد در رفع نیازهایشان را فراهم کند. همه دانشآموزان از هر طبقه اجتماعی به شغل مناسب نیازمندند. در شرایط فعلی جامعه دستیابی به فرصت های شغلی و اجتماعی نیازمند داشتن حداقل یکی از عوامل تحصیلات، سرمایه مادی و قرار داشتن در شبکه روابط اجتماعی و آشنایی هاست. قشر متوسط به پایین جامعه معمولاً فاقد دو عامل آخرند. بدین معنی که نه دارای سرمایه برای ایجاد اشتغال و نه در مجموعه روابط اجتماعی سودمند برای دسترسی به فرصت های شغلی مناسب قرار دارند. بنابراین دستیابی به تحصیلات بالا تنها راه

۱. الامام الصادق(ع):عن حسان المعلم:قال:سألت ابا عبد الله (ع) عن التعليم، فقال: لا تأخذ على التعليم أجرًا، قلت: فالشعر والرسائل وما اشبه ذلك اشارط عليه؟ قال:نعم بعد ان يكون الصبيان عندك سواء في التعليم، لا تفضل بعضهم على بعض (العيادة ، جلد ۵ ، ص ۲۱۷)

باقیمانده برای قشر متوسط و پایین جامعه، جهت دستیابی به فرصت‌های شغلی و اجتماعی است. اما استفاده کنندگان مدارس خصوصی عموماً قشر بالای جامعه هستند<sup>۱</sup> و به دلیل کیفیت آموزشی بهتر این مدارس به موفقیت تحصیلی بیشتری دست می‌باشد.<sup>۲</sup> به این ترتیب مدارس خصوصی با اختصاص عامل اول یعنی تحصیلات به قشر بالای جامعه و کاهش امکان دستیابی قشر پایین به تحصیلات عالی، تنها امکان قشر ضعیف جامعه برای تامین نیازهایشان را نیز از آنها سلب می‌کند. به این ترتیب باعث کاهش عملکرد آموزش و پرورش در ایفای نقش خود برای تامین نیازهای قشر متوسط و پایین جامعه می‌شود. با توجه به دلایل ذکر شده

طبق معیار نیاز نمی‌توان آن را عادلانه دانست. پایگاه مدارس خصوصی با توجه به معیار استحقاق‌های ذاتی در بعد انسانی - معنوی آموزش و پرورش مدارس خصوصی در مقایسه با مدارس دولتی از نظرات بیشتر اولیاء برخوردارند. اولیاء دانش‌آموزان در قبال هزینه بیشتری که برای امر تحصیل فرزندان خود می‌پردازن، متوقع شرایط و امکانات بهتر تحصیلی هستند. نتیجه طبیعی این امر سعی و دقت بیشتر اولیاء مدرسه و معلمان در امور تحصیلی و تربیتی جهت برآوردن انتظارات اولیاء دانش‌آموزان است. همچنین به دلیل رقابت بین مدارس خصوصی، مدیریت این مدارس سعی دارند با ارتقاء وضعیت آموزشی و تربیتی مدرسه بر اعتبار آن بیافرایند. به همین دلیل، برخورد ها و رفتارهای معلمان و کارکنان این مدارس و نیز برنامه‌های تربیتی آنها معمولاً از وضعیت مناسبتری نسبت به مدارس دولتی که بهبود وضعیت آنها و تلاش مدیریت و معلمان تأثیر چندانی در منافع مادی و معنوی کارکنان مدرسه ندارد، برخوردار است.

۱. پایگاه اجتماعی-اقتصادی والدین در مدارس غیرانتفاعی نسبت به مدارس خصوصی بالاتر است. (محسن نوغانی بهمنی، ۱۳۷۵)

۲. با کنترل عوامل پایگاه اجتماعی- اقتصادی والدین و معدل ورودی، تفاوت معنی داری در عملکرد تحصیلی دانش آموزان به نفع مدارس غیرانتفاعی وجود دارد.

به عنوان مثال در تحقیقی با عنوان "بررسی مقایسه‌ای عزت نفس دانشآموزان و رابطه آن با کاربرد شیوه‌های تشویق و تنبیه در مدارس راهنمایی پسرانه دولتی و غیرانتفاعی" (آبین، ۱۳۷۴)، تنبیه بدنی در مدارس دولتی بیش از مدارس خصوصی گزارش شده است. اختیارات و آزادی عمل مدیریت و معلمان در اتخاذ روش‌ها و برنامه‌های تربیتی و نیز انتخاب و گزینش دانشآموزان از دیگر عوامل برتری نسبی وضعیت تربیتی مدارس خصوصی نسبت به مدارس دولتی است. به دلیل قوانین نامناسب آموزش و پرورش در مدارس دولتی اولیاء مدرسه کمتر پاسخگوی والدین دانشآموزانند و نیز اختیارات و آزادی عمل کمتری برای اتخاذ روش‌های تربیتی در مدرسه دارند. به این ترتیب وجود مدارس خصوصی تأثیر چندانی بر وضعیت مدارس دولتی در این بعد ندارد.

در این مورد نیز تا آن جایی که این تفاوت‌ها در روش‌ها و جو حاکم بر مدرسه، ناشی از تدبیر و سعی مدیریت و کارکنان است و نه ناشی از انتخاب معلمان برتر پذیرفته است. همه دانشآموزان دارای حق مساوی در برخورداری از محیط تربیتی و پرورشی مناسب هستند و هیچ معیار عادلانه‌ای برای پذیرفتن استحقاق بیشتر برخی بر دیگران وجود ندارد. به این ترتیب اگر تدبیر و سعی مدیریت و معلمان باعث ایجاد این تفاوت‌ها گردد پذیرفتی است و همه دانشآموزان حق یکسان و مساوی در برخورداری از این شرایط را دارند. بنابراین ثروت اولیاء نمی‌تواند دلیل عادلانه‌ای برای استحقاق برخی و محرومیت برخی دیگر باشد. اما اگر این تفاوت‌ها ناشی از اختصاص معلمین برتر به برخی و در نتیجه محرومیت دیگران باشد، پذیرفته نیست. اختصاص معلمان برتر در این زمینه‌ها به عده ای محدود آنهم با معیار ثروت آن چنانکه در مدارس خصوصی انجام می‌شود ناعادلانه خواهد بود. اگر باردیگر به حدیث نقل شده از امام صادق (ع) در قسمت قبل بنگریم و مطرح نبودن کارکرد اقتصادی علم در زمان امام صادق (ع) را نیز درنظر بگیریم این نکته روشن می‌شود که علم آموزی و معلمی، جدا از بعد اقتصادی آن نباید تحت تأثیر ثروت متعلم قرار داشته باشد.

## ارائه پیشنهاد جهت کاهش اثرات ناعادلانه خصوصی سازی مدارس

بنظر می‌رسد مناسب ترین روش ، جهت رفع تبعیض بین مدارس خصوصی و دولتی، ارتقاء سطح کیفی آموزش در مدارس دولتی باشد. این روش‌ها با رویکرد ایجاد زمینه مناسب برای پذیرش تفاوت‌های فردی و فعالیت هر دانش‌آموز متناسب با تلاش و استعداد خود و نیز کاهش تعیین کنندگی و محوریت معلم و امکانات آموزشی در موفقیت تحصیلی، اتخاذ می‌گردد.

دراین شیوه‌ها سعی براین است که معلم تنها عامل تعیین کننده در فرایند تدریس و کیفیت یادگیری نباشد. (برخلاف شیوه‌های کنونی) دراین صورت ضعف‌های معلم تاثیر کمتری بر یادگیری دانشآموز خواهد داشت. بطورمثال در روش‌های یادگیری فعال، تلاش و تفکر دانش‌آموز نقش بیشتری در مقایسه با روش‌های معلم محور، در فرایند یادگیری ایفا می‌کند. البته این امر مستلزم تغییر اهداف و محتوای فعلی کتب درسی است.

همچنین محتوا و تمرینات کتب درسی و نقش معلم باید به گونه‌ای باشد که پاسخگوی دانش‌آموزان با علائق و توانایی‌های متفاوت باشد. قطعاً این شیوه تدریس که معلم، محتوا و مطالب یکسانی را همزمان برای همه دانش‌آموزان تدریس می‌کند، نمی‌تواند مطابق با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان باشد. با بهبود محتوا و روش‌های آموزش، کارآیی و بازدهی تدریس افزایش یافته ، از محوریت عوامل فعلی تعیین کننده در کیفیت آموزش یعنی معلم و امکانات آموزشی کاسته می‌شود. به این ترتیب توزیع امکانات آموزشی گرچه مسئله قابل توجهی است اما از میزان تعیین کنندگی آن در موفقیت تحصیلی کاسته می‌شود.

همچنین با روش‌های متناسب و در برگیرنده تلاش‌ها و توانایی‌ها و استعدادهای متفاوت دانش‌آموزان، زمینه و بستر مناسب برای تلاش همه دانش‌آموزان فراهم می‌شود. به این ترتیب نیاز به تأسیس مدارس با امکانات بهتر برای پاسخگویی به تلاش‌های بیشتر در شرایط فعلی توزیع عادلانه امکانات آموزشی را نقض می‌کند، از بین می‌رود.

## ماخوذ

- نهج البلاغه ، ترجمه سید جعفر شهیدی ، تهران ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۶۸
- آبین، سعید . بررسی مقایسه ای دانش آموزان و رابطه آن با کاربرد شیوه های تشویق و تنبیه در مدارس راهنمایی پسرانه دولتی و غیر انتفاعی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۴ ، پایان نامه دکتری ، دانشگاه تربیت مدرس
- باقری، خسرو. اسکندری، حسین. خسروی، زهره . اکبری، مسلم. پیش فرض های روان شناسی اسلامی، تشریه حوزه و دانشگاه، شماره ۵ ، ۱۳۷۵
- بیلر، رابرت. کاربرد روانشناسی در آموزش ، جلد دوم، ترجمه پروین کدبور، مرکز نشر دانشگاهی تهران، جعفری تبریزی، محمد تقی . تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن در با یکدیگر، دفتر خدمات حقوق بین الملل جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰
- حاضری، علی محمد. مدارس غیر انتفاعی و تحرك اجتماعی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۷
- حکیمی، محمدرضا . حکیمی، محمد. حکیمی، علی. العیا، ترجمه احمد آرام، جلد ۴ و ۵، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱
- صدر، محمد باقر. اقتصادنا، بی جا، بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۰
- صدر، محمد باقر. صوره عن اقتصاد المجتمع الاسلامیه، بی تا.
- فیض کاشانی، مرتضی محمد بن شاه . تفسیر صافی، تهران، کتاب فروشی محمودی، بی تا
- محمدی ری شهری، محمد. میزان الحكمه، حمید رضا شیخی، دارالحدیث، ۱۳۷۷
- مطهری مرتضی، مجموعه آثار، جلد ۱۸، ۱۸، تهران، انتشارات صدر، بی تا.
- مطهری مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران، صدر، ۱۳۶۸
- مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، جلد دوم، تهران ، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲
- Miller.D, Principles of Social Justice, Harvard University Press, 1999
- Peters.R.S, Ethics and Education, In Great Britiain, Alden and Mowbray : Oxford, 1966



مرکز تحقیقات فلسفه و علوم رسانی